

- ۱- محمد حسن یزدانی<sup>۱\*</sup> (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری و منطقه ای دانشگاه تربیت معلم تهران)
- ۲- دکتر اصغر نظریان (استاد گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری و منطقه ای دانشگاه تربیت معلم تهران)
- ۳- دکتر احمد پور احمد (دانشیار گروه جغرافیا ی شهری دانشگاه تهران)

**Mohammad Hassan Yazdani<sup>1\*</sup>, Asgar Nazarian<sup>2</sup>, Ahmad Porahmad<sup>3</sup>**

- 1- Ph. D Student of Geography and Urban & regional planning, Department of Geography, Tarbiat Moallem University.
- 2- Professor of Geography and Urban & regional planning, Department of Geography, Tarbiat Moallem University.
- 3- Associate Professor of Human Geography, Faculty of Geography, Tehran University.

آدرس مکاتبه: تهران دانشگاه تربیت معلم تهران- دانشکده ادبیات و علوم انسانی - گروه جغرافیا - محمد حسن یزدانی (دانشجوی دکتری جغرافیای شهری)

پست الکترونیکی [M\\_yazdani@tmu.ac.ir](mailto:M_yazdani@tmu.ac.ir)  
پست الکترونیکی [mh12yazdani@yahoo.com](mailto:mh12yazdani@yahoo.com)

## بررسی شهرنشینی دیفرانسیل در ایران

- ۱- محمد حسن یزدانی<sup>۱</sup> (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری و منطقه ای دانشگاه تربیت معلم تهران)  
 ۲- دکتر اصغر نظریان (استاد گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری و منطقه ای دانشگاه تربیت معلم تهران)  
 ۳- دکتر احمد پور احمد (دانشیار گروه جغرافیا ی شهری دانشگاه تهران)

### چکیده:

هدف این مقاله معرفی نظریه «شهرنشینی دیفرانسیل» و آزمایش این نظریه با مورد نمونه ایران در طول ۵۰ سال بین ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۰ در ۱۰ دوره آماری می باشد. در این مقاله ابتدا نظریه شهرنشینی دیفرانسیل معرفی شده است و سپس به مطالعات موردی که این نظریه را به کار برده اند اشاره شده است. در نهایت این نظریه را برای بررسی نظام شهری ایران به کار گرفته ایم. آزمایش این نظریه در مورد ایران نشان می دهد که نظام شهری ایران این دوره «شهرنشینی» را از سال ۱۹۵۰ آغاز کرده و سه مرحله این دوره را به ترتیب تا سال ۱۹۷۵ گذرانده است. همینطور از سال ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۵ دو مرحله مربوط به دوره «واگرایی قطبی» را طی کرده و به دوره «شهرگریزی» وارد می شود. نتایج به دست آمده از این تحقیق نشان می دهد که به طور کلی نظریه شهرنشینی دیفرانسیل با روند نظام شهری ایران تطابق دارد؛ اگر چه بعضی تفاوت ها را هم در نظام شهری ایران نشان می دهد.

**کلید واژه ها:** شهرنشینی دیفرانسیل، ایران، الگوهای شهرنشینی.

### مقدمه:

برطبق سرشماری سال ۱۳۷۵ جمهوری اسلامی ایران - به عنوان یکی از کشورهای در حال توسعه - ۶۰/۰۵ میلیون نفر جمعیت داشت که ۶۰/۲۸ درصد شهرنشین بودند [۱، ص ۲]. از اوایل قرن چهارده هجری شمسی مهاجرت های روستا - شهری و رشد شهرنشینی ابتدا به صورت بطئی و از ۱۳۴۰ به بعد به صورت شتابان شروع شد. به طوری که با اقدامات رضا شاه

روند تجددگرایی در ایران آغاز می گردد و تا اصلاحات ارضی یعنی دهه ۱۳۴۰ ابعاد تازه ای به خود می گیرد و ادامه می یابد. از سال ۱۳۴۰ به بعد تشدید فروپاشی روابط سنتی روستا و اتکای اقتصاد کشور به نفت، مهاجرت به شهرها را شدت می بخشد. از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۴۰ متوسط نرخ رشد سالیانه شهری ۲/۶۵ درصد بود که از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۵ به ۴/۴۲ درصد می رسد و در همین دوره به ترتیب مهاجرت از ۵۳/۰ به ۱/۶۵ یعنی سه برابر افزایش می یابد [۲ صص ۱۳-۷۴؛ ۳، ص ۱۹]. دهه ۱۳۶۰ نقطه عطف دیگری در تحولات فضایی شهرنشینی در ایران می باشد. در این دوره تمرکززدایی در ایران شروع می شود. به طوری که در این دهه برای اولین بار نسبت جمعیت شهری از جمعیت روستایی پیشی می گیرد و درصد جمعیت شهر تهران (نخست شهری ایران) نسبت به دوره قبل کاهش می یابد و ۷ نقطه شهری متوسط اندام با بیش از ۵۰۰ هزار نفر (به جز تهران) در نظام شهری کشور با بیش از ۲۲/۳ درصد کل جمعیت شهری کشور برای اولین بار بر نظام شهری کشور مسلط می شود [۴، ص ۱۱۵]. حومه نشینی و شهرنشینی پیرامونی در سال ۱۳۶۵ در روند شهرنشینی کشور به وجود آمد و در بعضی متروپل های مناطق منطقه شهری را به وجود آورد. این امر جریان شهر به شهر را به جریان های روستا به شهر غالب کرد.

خلاصه اینکه میزان شهر نشینی در این دوره ۴۰ ساله تقریباً دو برابر افزایش می یابد یعنی از ۳۱/۴ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۶۰ درصد در سال ۱۳۷۵ می رسد. مطالعه نظام شهری ایران براساس قانون رتبه - اندازه<sup>۳</sup> نیز نشان می دهد که رشد شهرهای متوسط اندام، نظام شهری را به سوی تعادل سوق داده اند.

هدف این مقاله معرفی نظریه شهرنشینی دیفرانسیل<sup>۴</sup>، معرفی نمونه های موردی به کار گرفته شده در کشورهای مختلف و آزمایش این نظریه در نظام شهری ایران برای ۵۰ سال اخیر بین ۱۰ دوره آماری از ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۰ می باشد. نظریه شهرنشینی دیفرانسیل «چرخه های» پیوسته توسعه شهری را ارائه می کند. هر کدام از این چرخه ها سه دوره تکاملی «شهرنشینی<sup>۵</sup>»، «واگرایی قطبی<sup>۶</sup>» و «شهرگریزی<sup>۷</sup>» را در نظر می گیرد، به طوری که بیشترین مهاجرت خالص و نرخ های رشد جمعیت در شهر های کوچک، متوسط و بزرگ اندام را

<sup>۳</sup>-Rank - size role

<sup>۴</sup>-Differential Urbanization

<sup>۵</sup>- Urbanization

<sup>۶</sup>- واگرایی قطبی معادل فارسی اصطلاح Polarization reversal است که به پیشنهاد دکتر اصغر نظریان (استاد جغرافیا و برنامه

ریزی شهری دانشگاه تربیت معلم تهران) انتخاب شده است.

<sup>۷</sup>- Counterurbanization

مورد مشاهده قرار می دهد. این سه شکل دوره تحول، تسلسل توسعه تکامل نظام شهری را در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه مورد بررسی قرار می دهد.

### ۱- بنیانهای تئوریک شهرنشینی دیفرانسیل :

در اکثر کشورهای پیشرفته نرخ رشد شهرنشینی بین سالهای ۱۹۶۵ و ۱۹۹۰ کاهش داشته است که این امر فرایند بازتوزیع جمعیت شهری یعنی رشد نسبتاً "سریعتر شهرهای کوچکتر یا کاهش مطلق جمعیت بزرگترین شهرها را نشان می دهد. در حالت کلی این روند بازتوزیع جمعیت را بعضی از محققین شهرگزیزی نامیده اند. در سال ۱۹۸۲ وان دن برگ<sup>۸</sup> برای مطالعه الگوهای رشد در داخل مجموعه های شهری مفهوم چرخه شهرنشینی (شهرنشینی، حومه نشینی، شهرگزیزی و شهرنشینی مجدد) را بکار گرفت [۵، صص ۷۵-۸۵]. برای اولین بار گی<sup>۹</sup> در سال ۱۹۸۹ در مقاله ای تحت عنوان «شهرنشینی دیفرانسیل در افریقای جنوبی و پیامدهای آن برای سیاستهای توسعه فضایی» این نظریه را به ادبیات مطالعات شهری و جغرافیای شهری وارد کرد [۶، صص ۲۷۶-۲۹۱]. همچنین گی<sup>۱۰</sup> در مقاله ای بنیانهای تئوریک شهرنشینی دیفرانسیل را به طور منسجمی بیان کردند [۷، صص ۱۵۷-۱۷۷]. این مدل از ۱۹۹۵ به بعد در مطالعات روند شهرنشینی در بعضی از کشورهای پیشرفته و در حال توسعه بکار گرفته شده است.

### الف - ویژگی های فضایی مدل

با استفاده از نظریه مکان مرکزی و نقش نیروهای بازار، ویژگی های محلی<sup>۱۱</sup>، پخش نوآوری ها<sup>۱۲</sup>، محورهای توسعه در تکامل نظامهای شهری و صرفه جویی های ناشی از تجمع، پنج نکته را درباره رشد نظامهای شهری می توان مشخص کرد: اول اینکه اکثر نظام های شهری ملی در آغاز، دوره نخست شهری<sup>۱۳</sup> را تجربه می کنند. در این دوره نسبت زیادی از توسعه اقتصادی و اکثر مهاجران به یک یا چند مرکز جذب می شوند. دوم: وقتی که نظام شهری ملی رشد می کند و به بلوغ می رسد، در عین حال که شهرهای موجود رشد می کنند مراکز شهری جدید به طبقات مراتب پائین تر اضافه می شوند. در این فرایند در حالی که نظام

<sup>۸</sup>- Van den Berg

<sup>۹</sup>- Geyer

<sup>۱۰</sup>- Kantuly

<sup>۱۱</sup>- Locational attributes

<sup>۱۲</sup>- Innovation diffusion

<sup>۱۳</sup>- Primarte city phase

شهری از لحاظ فضایی یکپارچه تر می شود در همان حال، پخش توسعه اقتصادی را شروع می کند. نکته سوم، چنین توسعه نظام های شهری از لحاظ سرزمینی، مراتب مختلف زیر نظام های سازمان یافته (از سطوح کلان در تمام سطوح منطقه ای گرفته تا سطوح خرد یا محلی) ایجاد می کنند. چهارم: روند گرایشات در توسعه نظام شهری اول بسوی تمرکز و سپس بسوی پخش یا تمرکز زدایی سوق می یابد که این روند به نظام های سطح ملی محدود نمی شود، بلکه زیر سیستمها (مناطق) نیز این روند را طی می کنند. پنجم: در محیط شهری در حال رشد بجز مراکز با ویژگی های منحصر به فرد معمولاً توسعه مراکز درجه دو نزدیک به مرکز در اولویت قرار می گیرد. با استفاده از این پنج نکته به عنوان مقدمه، ویژگی های فضایی کلی شهرنشینی دیفرانسیل به همراه جریانهای مهاجرتی برای شناخت دوره ها و مراحل مختلف مدل شهرنشینی دیفرانسیل ترسیم شده است (شکل ۱).

آغاز چرخه، دوره «شهرنشینی» است که در این دوره نسبت فزاینده ای از فعالیت های اقتصادی و جمعیت کشور در تعداد کمی از مراکز شدیداً در حال رشد جمع می شوند. در طول اولین دوره شهرنشینی، نظام شهری همراه با مراکز جدیدی که به مراتب پائین اضافه شده بطور شتابان گسترش می یابد. با ایجاد مراکز شهری جدید، مکان های جغرافیایی که موقعیت مناسبی دارند و به مراکز بزرگتر نزدیک تر هستند نسبت به مکان های مشابهی که دورتر از مراکز بزرگتر هستند برای جذب توسعه شهری شانس بیشتری پیدا می کنند. در این مدل، این دوره از شهرنشینی «دوره نخست شهری» نامیده می شود.

دوره نخست شهری خود به سه مرحله تقسیم می شود. «مرحله آغاز نخست شهری»<sup>۱۴</sup> که درجاتی از سلطه فضایی همه جانبه را درون نظام شهری ایجاد می کند. این سلطه فضایی درصد زیادی از جریانهای بین منطقه ای را جذب می کند (شکل ۱- الف). «مرحله میانی نخست شهری»<sup>۱۵</sup> که نخست شهر هنوز شدیداً تک مرکز است و این مرکز همراه با حومه نشینی بطور شدید رشد می کند (شکل ۱- ب). در این مرحله نخست شهر با نرخ فزاینده ای رشد می کند. همچنین بقیه شهرها هر چند در آغاز به صورت کندتر از مهاجرت روستا - شهری نفع برده و رشد خود را زیاد می کنند. به واسطه ویژگی های انحصاری، بعضی از شهر های میانه اندام نسبت به دیگر مراکز شهری توسعه بیشتری می یابند. «مرحله پیشرفته نخست شهری»<sup>۱۶</sup> مرحله ای است که نخست شهر آنقدر بزرگ می شود که به واسطه زیان

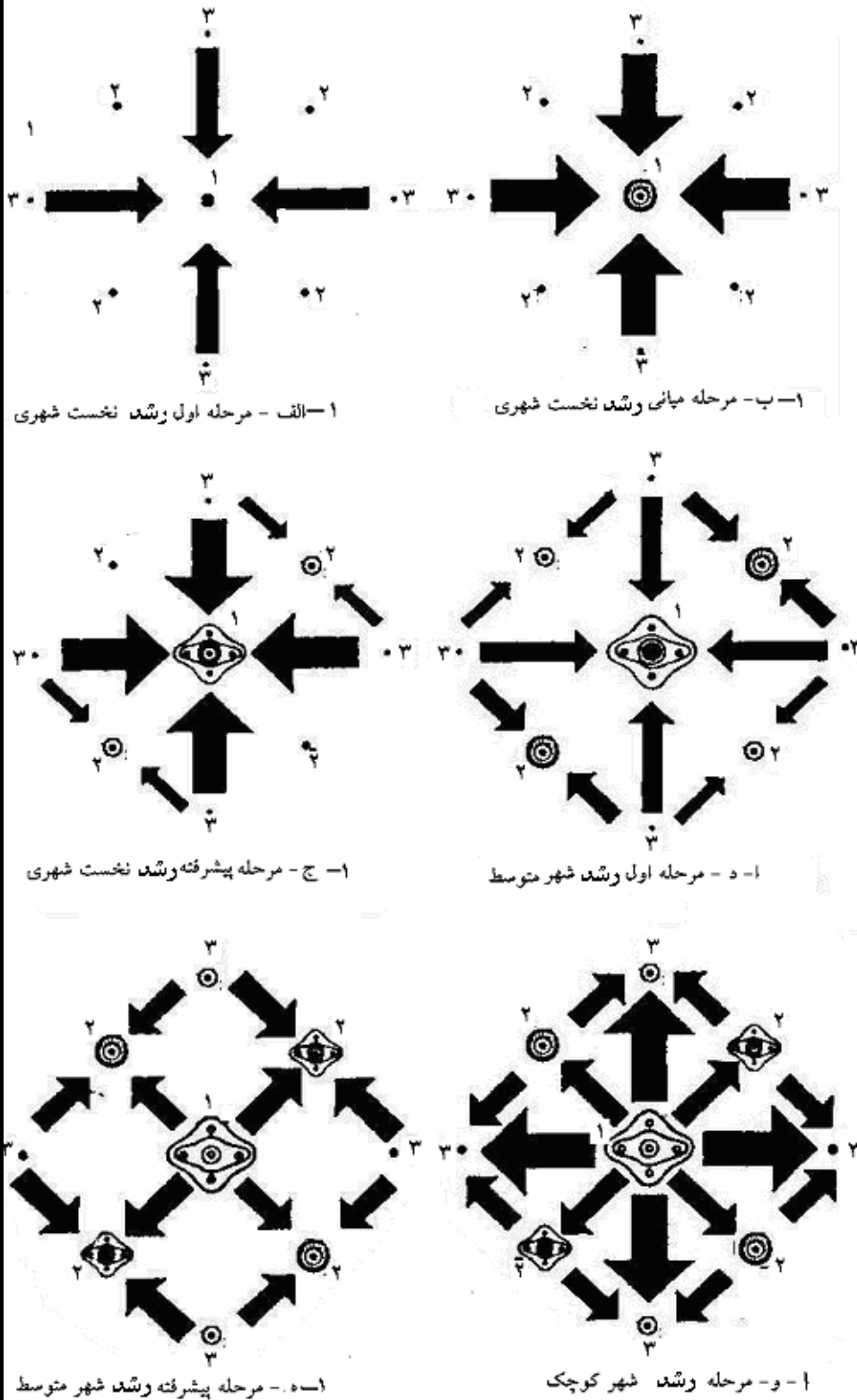
<sup>14</sup>- Early Primate City Stage

<sup>15</sup>- Intermediate Primate City Stage

<sup>16</sup>- Advanced Primate City Stage

های ناشی از تجمع، ساختار نظام شهری تک مرکزی سلطه خود را از دست می دهد. از این طریق تمرکز زدایی درون منطقه ای محدوده منطقه ای نخست شهر شکل می گیرد. در نتیجه نخست شهر، رشد چند مرکزی با ویژگی کلان شهری بوجود می آورد که به لحاظ فضایی و اقتصادی کاملاً به بقیه نظام شهری مسلط می شود (شکل ۱ - ج).

شکل شماره ۱ - مدل گرافیکی دوره ها و مراحل شهر نشینی ديفرانسيل ، انگوهای مهاجرتی رایج



Source: Gever & Kontulv. 161.

در طول این دوره نظام شهری در سطح ملی گسترش می یابد. شهرهای موجود به مراتب و سطوح بالاتر وارد می شوند و مراکز جدیدی به مراتب پائین تر اضافه می شوند. در این دوره احتمال دارد یک یا چند شهر متوسط ویژگی نخست شهری پیدا کنند. در چنین حالتی، با وارد شدن مرکز دوم به نظام شهری، نظام شهری ملی به دو یا چند زیر سیستم تقسیم می شود. وقتی که در کنار نخست شهر ملی نخست شهرهای منطقه ای ظاهر شوند بیش از یک نخست شهر بوجود می آید و بعید است که همه آنها در مرحله یکسانی از مراحل مذکور شهرنشینی باشند. ممکن است همه آنها در دوره نخست شهری باشند، با وجود این احتمال دارد یکی از اینها در مرحله ابتدایی، دیگری در مرحله میانی و دیگری در مرحله پیشرفته نخست شهری باشد.

در بعضی موارد در سیر توسعه بیشتر کشورها، در حالی که نخست شهرها تکامل می یابند نرخ رشد آنها کاهش می یابد، و فرایند تمرکز زدایی فضایی شروع می شود. تکامل دوره نخست شهری معمولاً با رشد شهرهای متوسط اندام نزدیک به نخست شهر همراه است. در سطح ملی این برگشت ماهیت «واگرایی قطبی» نامیده می شود که در بعضی از کشورهای پیشرفته و در حال توسعه مشاهده شده است.

اگرچه اکثر کشورهای در حال توسعه هنوز با رشد شدید جمعیت، شهرنشینی با سلطه نخست شهری، و شهر محوری دائم در تخصیص بودجه توسعه مواجه اند، با وجود این مهاجر پذیری نخست شهر با همان نرخ بالای اولیه مدت زمان زیادی ادامه نمی یابد. در بعضی از گروه کشورهای در حال توسعه نسبتاً پیشرفته و گروه کشورهای توسعه نیافته در دهه ۱۹۷۰ آغاز کاهش نرخ های رشد نخست شهر مشاهده شده است، این کاهش با رشد بعضی از شهرهای متوسط اندام که در نزدیکی نخست شهرها قرار داشتند در ارتباط بوده است.

علاوه بر آن، شاخص های مختلف «واگرایی قطبی» مشخص شده اند. این شاخص ها، شاخص های کمی محض همچون جمعیت و شاخص های کیفی، همچون تولید ناخالص ملی، جنس، سن، سطح آموزش، و وضعیت اشتغال گروه های درآمدی و ترکیب عوامل منطقه ای رشد را شامل می شود.

تعریف ریچاردسون<sup>۱۷</sup> از واگرایی قطبی به عنوان «پخش متمرکز»<sup>۱۸</sup> با این فرض بسط می یابد که پخش یا تمرکز زدایی اول در شهرهای متوسط اندام و سپس در شهرهای کوچک اندام روی می دهد. در این مدل به دوره دوم توسعه شهری؛ دوره شهرهای متوسط (شکل ۱ - د -

<sup>17</sup> - Richardson

<sup>18</sup> - Concentrated dispersion



ه) و دوره آخر، دوره شهرهای کوچک نامیده شده است (شکل ۱ - و). اگرچه این دو دوره در این مدل به عنوان تقسیمات مرحله ای مجزا معرفی می شوند، ولی این ها را می توان به عنوان توالی و تسلسل، یا مراحل حرکت به طرف تمرکز زدایی تصور کرد.

در بعضی مواقع که شدت رشد شهری مرحله اول دوره دوم در شهرهای متوسط اندام نزدیک به شهرهای برتر رخ می دهد، این سوال را تداعی می کند که آیا باید رشد شهرهای متوسط اندام را به عنوان آغاز تمرکز زدایی فرض کرد یا باید آن را به عنوان ادامه پراکنش شهری مد نظر قرار داد؟ با توجه به دو اصل این مسائل قابل توجیه است. اول اینکه شهرهای میانه اندام باید مستقل باشند، یعنی آن ها نباید شهرک های خوابگاهی برای نخست شهر باشند، و اکثر جمعیت آن ها باید در حوزه اشتغال مربوط به خود شهر فعال باشند. دوم اینکه حوزه نفوذ شهر متوسط اندام نباید نزدیک به حوزه نفوذ نخست شهر باشد، چون در این صورت از لحاظ کالبدی شهر متوسط اندام بخشی از نخست شهر محسوب می شود.

بعد از این که شهرهای متوسط اندام نزدیک نخست شهرها رشد خود را شروع کردند، احتمال دارد شهرهای متوسط اندامی که از نخست شهرها دور هستند نیز رشد شتابان را شروع کنند. به جز مواردی که ویژگی های منحصر به فرد جغرافیایی مطرح است، ظاهراً مراکز متوسط بزرگ بیشتر از شهرهای کوچک برای توسعه شانس دارند.

دوره تسلط شهرهای متوسط دو مرحله مجزا دارد. مرحله آغازین شهر متوسط<sup>۱۹</sup> (شکل ۱ - د) که با رشد شتابان تعدادی از شهرهای متوسط اندام نزدیک کانون اصلی نخست شهر (نه نزدیک به منطقه کانون اصلی نخست شهر) آغاز می شود. نخست شهر در عین حال که به طور مطلق جذب جمعیت می کند به طور نسبی واگذار کردن جمعیت به شهرهای متوسط اندام را نیز شروع می کند. در این مرحله مراکز پیرامون در منطقه نخست شهر سریعتر از شهر مرکزی رشد می کند. در مرحله پیشرفته شهر متوسط اندام (شکل ۱ - ه)، تمرکز زدایی درون منطقه ای یا حومه نشینی مشابه که در توسعه مرحله نخست شهری (شکل ۱ - ج) شناسایی شده است، ولو در مقیاس کوچکتر، با رشد سریعتر تکرار می شود. از این گذشته، در مقابل مرحله آغازین رشد شهرهای متوسط، همه مراکز داخل منطقه نخست شهر به طور مطلق کاهش جمعیت را (شهر مرکزی بیش از مراکز حومه ای) تجربه می کنند.

در نهایت، نظام شهری به دوره رشد شهر کوچک<sup>۲۰</sup> وارد می شود، این دوره را دوره شهر گریزی نیز می گویند (شکل ۱ - و). در طول این دوره تمرکز زدایی از شهرهای برتر و

<sup>19</sup> - Early Intermediate City Stage

<sup>20</sup> - Small city stage

متوسط اندام به طرف مراکز شهری کوچک روی می دهد. در آغاز ممکن است، مراکز کوچک با ویژگی های مکانی منحصر به فرد که به شهرهای برتر و متوسط اندام نزدیک تر هستند رشد سریع داشته باشند، اما بعداً مراکز کوچکی که دورتر از نخست شهر هستند نیز جذب مهاجران محلی را آغاز می کنند. در آخر ممکن است این گروه از مراکز کوچک با نرخ بیشتر از شهرهای برتر و متوسط اندام رشد کنند .

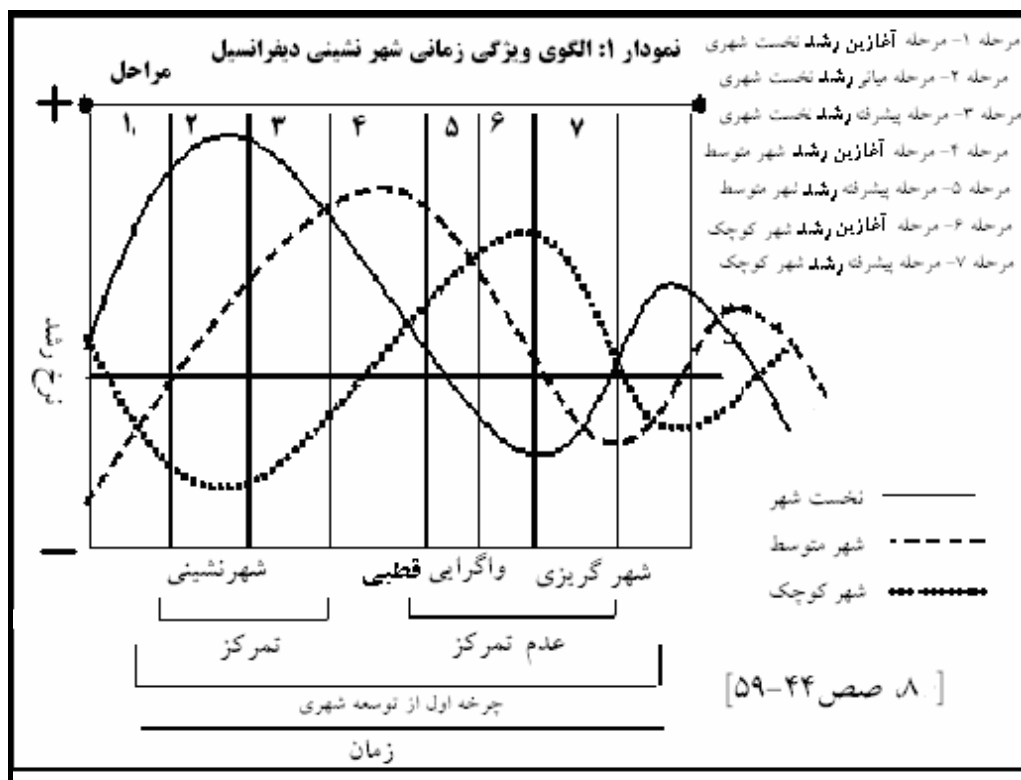
در انتهای دوره رشد شهرهای کوچک، نظام شهری به نقطه اشباع می رسد. در نتیجه محدودیت های ساختاری و تکنولوژیکی، جمعیت روستایی و کشاورزی تا حد معینی کاهش می یابد و در نتیجه مهاجرت روستایی به شهر که یکی از عوامل اصلی تاثیرگذار در شهرنشینی است قطع می شود. در این حال جمعیت شهری به طور عمده با مهاجران غیر روستایی و افزایش طبیعی جمعیت خود شهر افزایش می یابد. چنانکه در این مرحله افزایش طبیعی جمعیت خیلی پایین یا حتی منفی باشد و مهاجرت در سطح نسبتاً پایینی باشد، رشد شهری به طور کلی در شهرهای کوچک رخ خواهد داد.

شکل ۱ شهرنشینی دیفرانسیل تنها با تعریف جریان های متداول مهاجرت توصیف می شود چون ادبیات « شهرنشینی، واگرایی قطبی و شهر گریزی را تنها درباره ی این جریان های متداول مهاجرتی مورد بحث قرار می دهد» [۷، صص ۱۵۹-۱۶۲].

### **ب - ویژگی های زمانی مدل شهرنشینی دیفرانسیل :**

شهرنشینی دیفرانسیل همچنین در قالب توالی زمانی رشد نخست شهر، شهر میانه اندام و شهر کوچک مورد مطالعه قرار می گیرد. نمودار ۱ این توالی زمانی را به عنوان رابطه بین نرخ های خالص مهاجرت و زمان، همراه با زمان محاسبه شده در مقیاس لگاریتم به طور معکوس نشان می دهد. فاکتور زمانی این مدل براین فرض استوار است که هم، تغییر در نرخ های خالص مهاجرت هر دوره پیوسته توسعه و هم، استمرار هر دوره رشد، با گذشت زمان کاهش می یابد و نوسان در نرخ های خالص مهاجرت حتماً کاهش می یابد. چون اگر نوسان به سطوح بالای توسعه و سطح بالای شهرنشینی نزدیک شود رشد جمعیت کشور را کلا کندتر خواهد کرد. یکپارچگی و بهبود مستمر شبکه های ارتباطات و حمل و نقل یکپارچگی فضایی و کارکردی نظام شهری را تقویت می کند و در نتیجه زمان مورد نیاز برای هر مرحله متوالی توسعه شهری را کاهش می دهد .

چنان که در نمودار ۱ نشان داده شده است، در مرحله آخر رشد شهر کوچک، اولین چرخه توسعه شهری پایان می یابد. این امر به آغاز مرحله جدیدی اشاره دارد که در آن چرخه دوم رشد مادر شهر اصلی، شهر متوسط اندام و شهر کوچک اتفاق می افتد. تا آخر دوره رشد شهر کوچک در چرخه اول، نظام شهری به طور متعادل توسعه می یابد و از لحاظ فضایی یکپارچه می شود. این رشد طوری روی می دهد که تفاوت های شدید مرکز-پیرامون دوره های گذشته به طور محسوسی کاهش می یابد یا حتی از بین می رود. پیش بینی سازمان فضایی شهری آمریکا برای سال ۲۰۰۰ نشان می دهد که دیگر تفاوت های شدید به لحاظ دسترسی به تکنولوژی و اطلاعات بین شهرهای کوچک و بزرگ وجود نخواهد داشت. از این گذشته، رشد طبیعی جمعیت در طول چرخه دوم حتی پائین تر از قبل می شود. در چرخه اول نوسانات در مهاجرت داخلی و خارجی تغییرات اصلی را به وجود می آورند. انتظار می رود که بهبود زیاد در تکنولوژی حمل و نقل و ارتباطات وسعت و دوام زمانی دوره های متوالی رشد را حتی بیشتر از این نیز کاهش دهد.

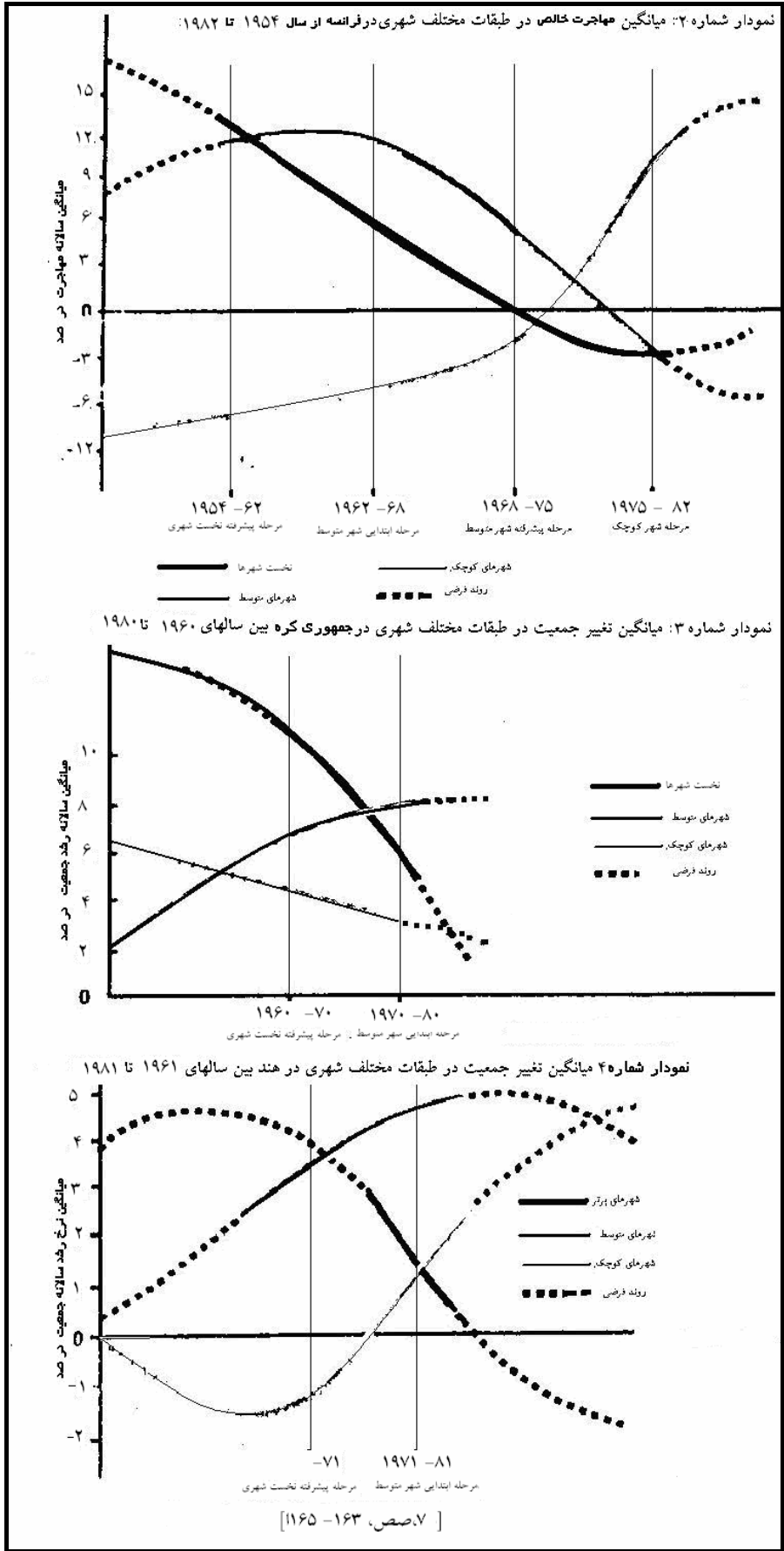


گروه مناطق مادر شهری اصلی بالاترین نرخ ورود مهاجران به داخل را در دوره توسعه شهرنشینی چرخه دوم تجربه می کند که ممکن است مناطق مادر شهری بزرگ همان مناطق مادر شهری بزرگ اول باشند و یا در این دوره شکل گرفته باشند. مراکز شهری بزرگ

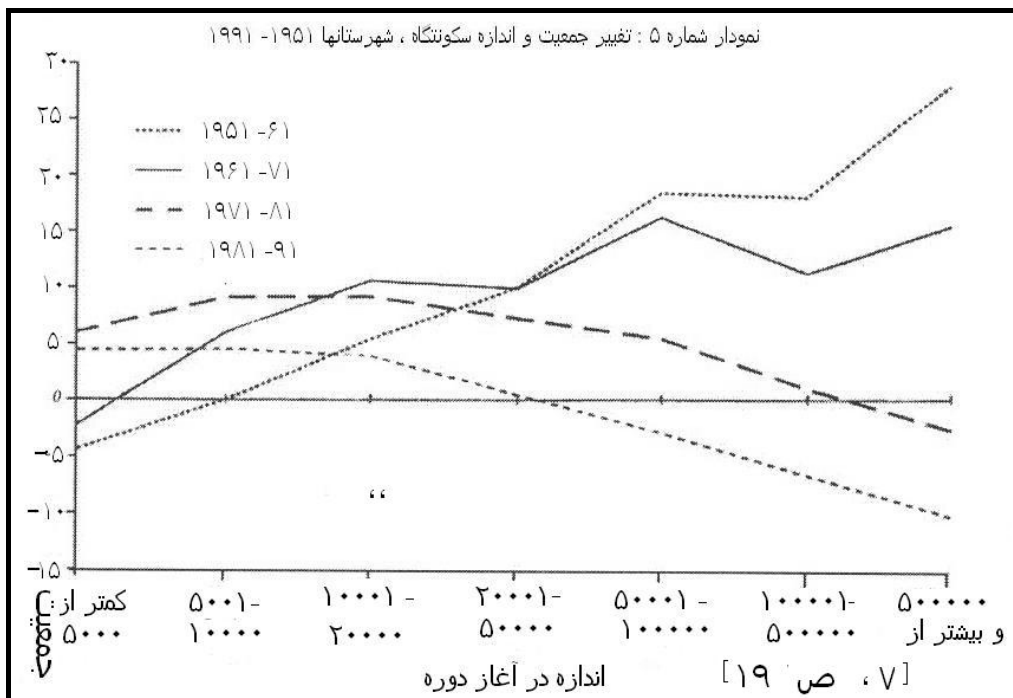
قادرند موقعیت مسلط شان را در یک سلسله مراتب شهری ملی و بین المللی، همراه با گروه معدود نواحی شهری متوسط اندام در حال رشد سریع چرخه اول، گروه جدید مراکز مادر شهری اصلی آینده را شکل دهند [۷، صص ۱۶۳-۱۶۵].

### ج - نمونه های موردی مطالعه شده :

توالی زمانی مفروض نخست شهری، متوسط اندام و کوچک با استفاده از آمارهای مهاجرتی برای کشور فرانسه و رشد جمعیتی برای کشورهای کره جنوبی و هند مورد بررسی قرار گرفته است. در طول چهار دوره ۷ ساله بین ۱۹۵۴ و ۱۹۸۲، فرانسه از مرحله پیشرفته نخست شهری به سمت مرحله آغازین رشد شهرهای متوسط و در مرحله پیشرفته رشد شهر متوسط به سمت مرحله رشد شهر کوچک حرکت کرده است. کره جنوبی از مرحله پیشرفته نخست شهری در دهه ۱۹۶۰ به سمت مرحله آغازین رشد شهرهای متوسط اندام در دهه ۱۹۷۰ حرکت می کند. در حالی که هند تقریباً همان دوره ها و مراحل شهرنشینی دیفرانسیل را طی می کند. اگرچه در نمودار فرانسه میانگین مهاجرت سالانه و در نمودار مربوط به کره جنوبی و هند میانگین نرخ رشد سالانه نشان داده می شود، با وجود این مسیر حرکت ها تقریباً یکسان است و بنابراین تنها موقعیت منحنی ها را نسبت به محور ها تغییر می دهد. این امر تأثیر معنی داری بر جریان تحقیق ندارد. در این تحقیق نتیجه گرفته شده است که کشورها در مراحل مختلف توسعه نظام های شهری از نظر زمانی در موقعیت های مختلف قرار می گیرند. نرخ ها و حجم های متفاوت مهاجرت دامنه منحنی های رشد کشورها را به طور متفاوتی تحت تأثیر قرار می دهند. همچنین نشان می دهد اگرچه ممکن است نظام شهری ملی به طور معمول مسیرهای رشد طبقات مختلف شهرها را براساس اصول مدل زمانی شهرنشینی دیفرانسیل طی کند ولی نرخ رشدی که طبقات مختلف شهرها آن مراحل مختلف را طی می کنند ممکن است از کشوری به کشور دیگر به طور قابل ملاحظه ای فرق کند. از این گذشته، نرخی که کشورها مراحل مختلف را طی می کنند احتمال دارد از لحاظ فاصله های مختلف زمانی، و موقعیت های منحنی های رشد سه گروه از شهرها (شهرهای بزرگ، متوسط اندام و کوچک) نسبت به همدیگر و نسبت به محور ها از کشوری به کشور دیگر فرق کند. با وجود این تفاوت ها اصول فضایی بنیادی شهرنشینی دیفرانسیل هنوز معتبر است (نمودارهای ۲، ۳، ۴) [۷، صص ۴۴-۴۶].



در سال ۲۰۰۱ تحلیلی روی تغییر جمعیت شهرها و نرخ خالص مهاجرت روی نظام شهری ایتالیا انجام گرفته است و نتیجه گرفته شده است که نظام شهری این کشور در مرحله رشد سریعتر نواحی شهری متوسط اندام (واگرایی قطبی) است و هنوز به دوره شهرگریزی نرسیده است (نمودار ۵) [۹، صص ۱-۳۰].



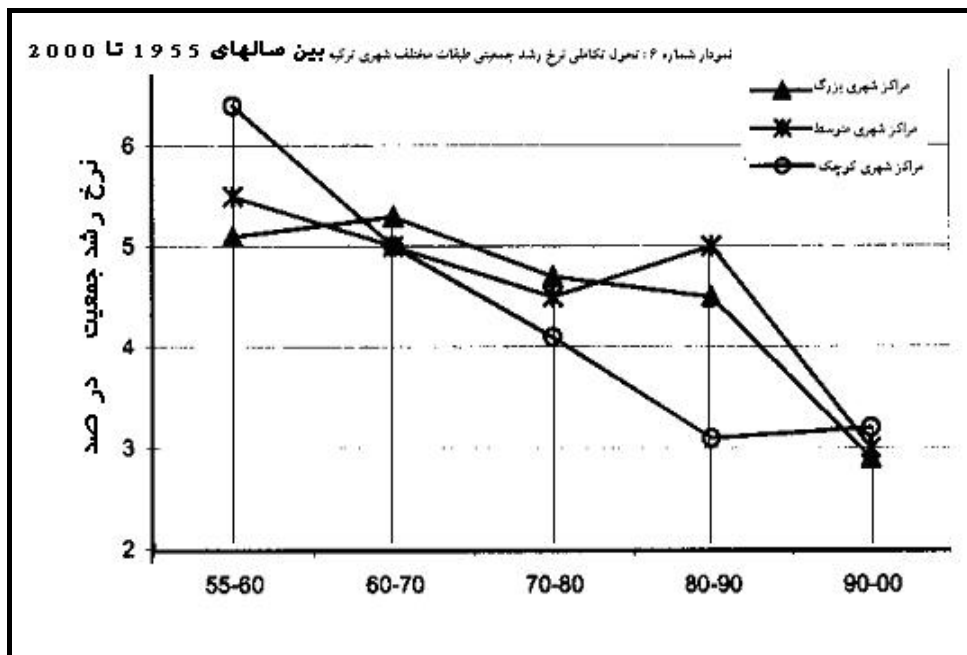
الگوی شهرنشینی دیفرانسیل روی نظام شهری ترکیه توسط گدیک<sup>۲۱</sup> (۲۰۰۳) مورد ارزیابی قرار گرفته است. وی کشور ترکیه را در طول ۴۵ سال از سال ۱۹۵۵ تا ۲۰۰۰ مورد ارزیابی قرار داده است. در این تحقیق شهرهایی را که در سال ۱۹۹۰ بالای ۱۲۵ هزار نفر جمعیت داشتند مورد مطالعه قرار داده است. وی شهرهای بیش از ۵۰۰ هزار نفر را شهرهای بزرگ، شهرهای ۲۵۰ هزار تا ۵۰۰ هزار نفر را شهرهای متوسط اندام و شهرهای ۱۲۵ هزار تا ۲۵۰ هزار نفر را شهرهای کوچک اندام در نظر می گیرد. به علاوه این مدل را یک بار برای نظام شهری ترکیه و بار دیگر برای سه کلان منطقه ترکیه (مناطق با درجات مختلف توسعه) به کار می برد. گدیک در طول این ۴۵ سال ۸ دوره سرشماری آماری را مورد بررسی قرار داده است. جدول و نمودارها نشان داده اند که در کل، این مدل هم در مورد کل ترکیه و هم در مورد سه کلان منطقه ترکیه صدق می کند.

<sup>21</sup> - Gedik

تحقیق گدیک نشان می دهد که نظام شهری ترکیه و نظام شهری سه منطقه مورد مطالعه تا سال ۱۹۷۵ مراحل مختلف دوره «شهرنشینی» را تجربه کرده است و از ۸۰ - ۱۹۷۵ نظام شهری ترکیه وارد دوره «واگرایی قطبی» شده است که این مرحله را می توان «مرحله آغازین رشد شهر متوسط» نامید. همینطور در دوره آماری آخر ۲۰۰۰ - ۱۹۹۰ را دوره گذر از واگرایی قطبی به شهر گریزی به حساب می آید (نمودار ۶ وجود اول ۱).

براساس این تحقیق تفاوت هایی که مدل شهرنشینی دیفرانسیل با روند نظام شهری ترکیه دارد عبارتست از: ۱- دوره های تکاملی به ترتیب تجربه شده اند ولی در این میان بعضی از مراحل واسط حذف شده اند؛ ۲- در دوره اول آماری (۶۰ - ۱۹۵۵) به جای این که شهرهای برتر رشد کنند برعکس، شهرهای کوچک رشد بیشتر داشتند که این در نتیجه مهاجرت های درون ولایتی و روستا - شهری بوده است؛ ۳- اگر طبقه بندی ها را تغییر بدهیم یعنی برای مثال شهرهای بالای یک میلیون نفر را یک طبقه، ۵۰۰ هزار تا یک میلیون نفر را طبقه دیگر و ۲۵۰ هزار تا ۵۰۰ هزار نفر را طبقه دیگر و ۱۵۰ هزار تا ۲۵۰ هزار را طبقه آخر به حساب آوریم روند نظام شهری ترکیه با مدل شهرنشینی دیفرانسیل تعارض پیدا خواهد کرد.

در نهایت وی پیشنهاد می کند که به دلیل سه تفاوت موجود این تحقیق با مدل مذکور، این مدل را لاقبل برای کشورهای در حال توسعه باید با احتیاط به کار برد و تغییراتی در اولین چرخه نظریه شهر نشینی دیفرانسیل به وجود آورد و مطالعات بیشتری روی این مدل انجام گیرد تا نقایص آن برطرف شود [۱۰، صص ۱-۳۰].



**جدول شماره ۱: میانگین نرخ رشد سالانه جمعیت طبقه‌های دوری ترکیه بین سالهای ۱۹۵۵ تا ۲۰۰۰**

Period	Large Urb. Cntr. <sup>1</sup> (n=7)	Medium Urb. Cntr. <sup>2</sup> (n=7)	Small Urb. Cntr. <sup>3</sup> (n=13)	Large Urb. Cntr. <sup>1</sup> (n=7)	Medium Urb. Cntr. <sup>2</sup> (n=7)	Small Urb. Cntr. <sup>3</sup> (n=13)
55-60	0,051	0,055	0,064	0,051	0,055	0,064
60-65	0,052	0,044	0,041	0,053	0,050	0,050
65-70	0,054	0,054	0,050			
70-75	0,051	0,047	0,042	0,047	0,045	0,041
75-80	0,042	0,043	0,040			
80-85	0,049	0,054	0,041	0,045	0,050	0,031
85-90	0,040	0,045	0,033			
90-20	0,029	0,030	0,032	0,029	0,030	0,032

Notes: (1) Larger than 500,000 in 1990 Pop. Census; (2) Between 250,000-500,000; (3) Between 125,000-250,000.

Source: Gedik, 2003.

گی‌یر مهمترین و در عین حال اولین و آخرین تحقیق را در مورد نظریه و مدل شهرنشینی دیفرانسیل در جهان انجام داده است. وی این مدل را برای افریقای جنوبی یک بار در دهه ۱۹۸۰ و بار دیگر در ۲۰۰۳ به کار گرفته به این نتیجه رسیده است که این کشور با توجه به شرایط محلی و تاریخ رشد شهری و کاهش در الگوهای گروه‌های شهری دو بار (بار اول در دهه ۱۹۵۰ و بار دیگر در دهه ۱۹۸۰) به دوره واگرایی قطبش وارد شده است [صص ۲۷۶-۲۹۱؛ ۱۱، صص ۳۰۱-۳۰۸].

## ۲- بررسی نظریه شهرنشینی دیفرانسیل در ایران :

### الف - داده‌ها :

برای بررسی نظریه شهرنشینی دیفرانسیل در ایران ما آمارهای سرشماری عمومی نفوس و مسکن را به کار گرفته ایم. اولین آمارهای دقیق جمعیت شهری ایران مربوط به سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۳۵ می باشد و آخرین اینها مربوط به سال ۱۳۷۵ است. همچنین جهت تقویت اعتبار داده‌های آماری و پیش بینیها آمارهای UNDP را نیز مد نظر قرار داده ایم. آمارهای UNDP با آمارهای سرشماری های عمومی نفوس مسکن کشور تطبیق داده شده و صحت آنها پذیرفته شده است. این داده‌ها شامل ۱۰ دوره ی آماری می شود.

سطوح انتخابی شهرهای مورد مطالعه در این تحقیق صرفاً به خاطر دسترسی به آمارهای آنها بوده است؛ زیرا به غیر از شهرهایی که در سال ۱۳۷۰ بیش از ۱۰۰ هزار نفر جمعیت داشتند، دیگر شهرها در سایت اینترنتی UNDP فاقد آمار بوده اند(هر چند هدف در اینجا



روند یک دوره طولانی جمعیتی است و جدید یا قدیم بودن آمارها هیچ خللی در روند مطالعه ایجاد نمی کند. در ثانی مقایسه روند تغییرات جمعیت شهری مد نظر است که ما را به طور مقایسه ای به هدف برساند. با این همه جمعیت این شهرها در سرشماری سال ۱۳۷۵ با آمار ۱۹۹۵ UNDP نیز تطبیق داده شده است). برای طبقه بندی این شهرها سه سطح ۱۰۰ هزار نفری، ۲۵۰ هزار نفری و بالای ۵۰۰ هزار نفر به ترتیب به عنوان شهرهای کوچک، متوسط و بزرگ در نظر گرفته شده است. این امر در درجه اول به خاطر پراکنش مناسب تعداد شهرها در این طبقه بندیها بوده و در درجه دوم تبعیت از مطالعه ی مشابهی است که با مورد نمونه ترکیه توسط گدیک انجام گرفته است. تعداد شهرهای بزرگ بالای ۵۰۰ هزار نفر تعدادشان ۹ شهر، شهرهای متوسط اندام تعدادشان ۱۰ شهر و شهرهای کوچک تعدادشان ۲۷ شهر است (جدول ۲) (جدول ۳).

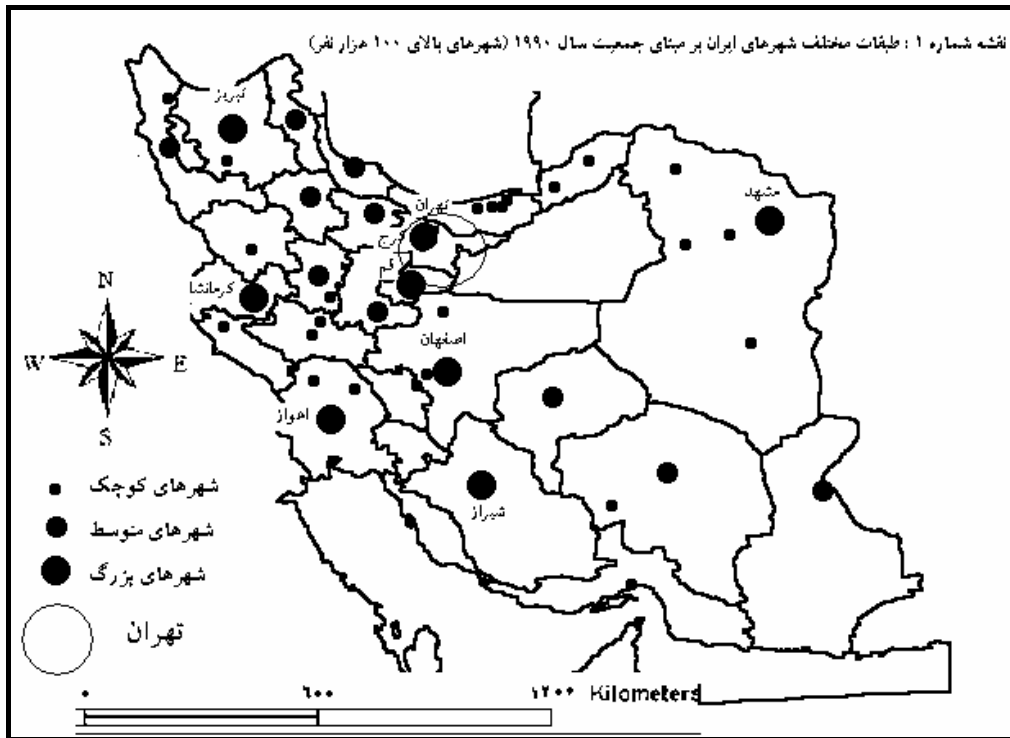
در سال ۱۹۹۰ در ایران مراکز شهری بزرگ اندام (بالای ۵۰۰ هزار نفر) ۹ شهر بوده است. بزرگ ترین آن ها شهر تهران است که در سال ۱۹۹۰ تقریباً ۶/۳۳۵ میلیون نفر جمعیت جمعیت داشت. شهرهای مشهد، اصفهان، تبریز، شیراز، کرج، اهواز، قم و کرمانشاه به ترتیب در مراتب بعدی قرار داشتند. مراکز شهری متوسط اندام (بین ۲۵۰ هزار تا ۵۰۰ هزار نفر) عبارتند از شهرهای اراک، اردبیل، همدان، کرمان، ارومیه، قزوین، رشت، یزد، زاهدان و زنجان. شهرهای کوچک (بین ۱۰۰ هزار تا ۲۵۰ هزار نفر جمعیت) عبارتند از آمل، بابل، بندرعباس، بیرجند، بوشهر، دزفول، اسلامشهر، گنبدکاووس، گرگان، ایلام، کاشان، خمینی شهر، خرم آباد، خوی، ملایر، مراغه، مسجد سلیمان، نجف آباد، نیشابور، قائم شهر، سبزوار، سنندج، ساری، شهر کرد و سیرجان. این شهرهای بزرگ، متوسط و کوچک در تمام نقاط کشور پراکنده اند (نقشه ۱).

جدول شماره ۲: نرخهای رشد سالانه طبقات شهری ایران در بین سالهای ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۰ میانگین رشد سالانه در دوره های مختلف										
۱۹۹۵-۲۰۰۰	۱۹۹۰-۹۵	۱۹۸۵-۹۰	۱۹۸۰-۸۵	۱۹۷۵-۸۰	۱۹۷۰-۷۵	۱۹۶۵-۷۰	۱۹۶۰-۶۵	۱۹۵۵-۶۰	۱۹۵۰-۵۵	طبقات شهری
2.78	2.89	3.98	6.31	6.06	5.37	5.2	4.75	4.75	4.75	شهرهای کوچک تعداد = ۲۷
2.92	3.9	4.34	6.66	6.14	4.74	4.87	3.44	3.44	3.44	شهرهای متوسط تعداد = ۱۰
2.12	2.51	4.2	5.9	5.99	6.23	5.99	5.34	5.35	5.34	شهرهای بزرگ تعداد = ۹
[استخراج از ماخذهای ۱۲؛ ۱۳].										

جدول شماره ۳: شهرهایی که در سال ۱۳۷۰ بیش از ۱۰۰ هزار نفر جمعیت داشتند (به هزار نفر).

نام شهر	1950	1955	1960	1965	1970	1975	1980	1985	1990	1995	2000
اهواز	85	112	146	192	246	313	410	541	685	784	871
آمل	15	21	28	37	49	64	84	111	134	154	175
اراک	52	57	63	70	86	109	158	240	314	368	423
اردبیل	56	64	72	81	103	137	188	260	304	333	364
بابل	29	35	41	48	56	65	83	108	131	153	176
بندر عباس	12	16	23	32	49	77	119	182	237	267	293
بیرجند	9	13	17	24	32	43	58	76	96	120	152
بجنورد	14	18	23	29	36	45	61	86	107	129	155
بروجرد	39	47	56	68	81	97	126	171	197	213	231
بوشهر	16	18	20	23	33	52	77	110	130	141	152
دزفول	38	49	62	79	96	115	132	147	173	197	220
اصفهان	184	237	306	395	544	767	897	980	1094	1230	1381
اسلامشهر	1	2	5	9	20	41	86	180	226	256	295
گنبد کاوس	11	16	25	36	47	57	69	83	99	109	118
گرگان	20	26	35	47	62	82	104	132	156	182	211
همدان	87	97	108	121	138	159	199	256	329	388	445
ایلام	6	8	10	14	20	29	47	79	109	124	134
کرج	7	12	22	38	68	124	221	392	693	903	1063
کاشان	39	44	50	57	67	81	102	130	151	189	245
کرمان	51	60	70	82	102	131	175	239	297	365	451
کرمانشاه	97	119	145	178	220	274	370	517	608	675	750
خمنی شهر	27	32	38	45	53	63	78	99	115	152	214
خرم آباد	29	36	45	56	73	97	135	191	238	267	292
خوی	28	33	39	46	55	67	84	108	132	146	158
ملایر	17	20	24	27	34	44	63	94	123	141	156
مراغه	28	35	42	51	58	64	77	95	113	128	145
مشهد	173	225	293	381	509	685	954	1345	1680	1854	1990
مسجد سلیمان	35	42	51	61	69	75	86	101	107	114	124
نجف آباد	24	29	35	41	53	70	92	121	152	174	194
نیشابور	22	25	28	32	41	55	74	101	129	153	179
ارومیه	49	63	81	104	128	156	205	279	342	414	504
قایم شهر	17	21	28	36	46	59	77	102	120	138	160
قزوین	56	64	74	85	104	131	172	231	271	288	301
قم	78	92	109	128	168	227	330	492	622	744	888
رشت	92	106	121	138	159	182	222	276	327	397	487
سبزوار	25	29	34	41	51	65	87	120	143	165	190
سنندج	34	39	45	52	67	89	127	186	234	269	306
ساری	19	24	32	41	53	66	91	129	161	188	220
شهرکرد	12	15	18	22	29	38	51	69	85	98	110
شیراز	128	160	202	254	325	418	578	819	946	1030	1124
سیرجان	9	11	14	18	25	36	53	81	103	128	160
تبریز	235	277	327	386	497	662	801	935	1058	1165	1274
تهران	1041	1396	1873	2511	3290	4273	5079	5839	6365	6687	6979
یزد	50	60	73	88	107	129	165	216	263	313	372
زاهدان	10	16	24	36	54	83	141	246	340	404	469
زنجان	41	46	51	57	71	93	133	196	244	278	313

[استخراج از مابذ های ۱۳۹۱۲].

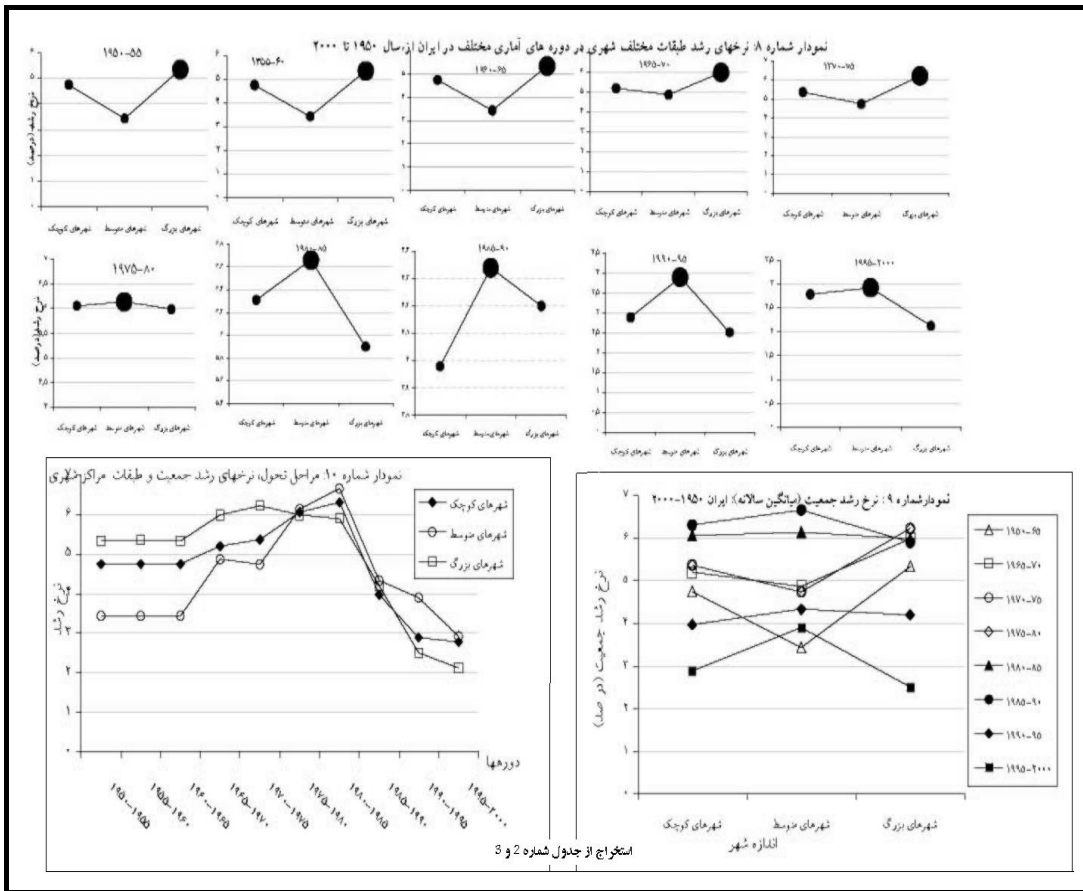
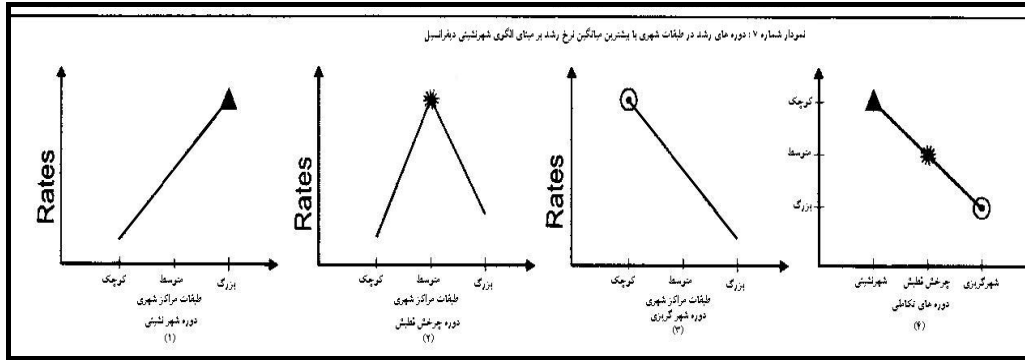


## تجزیه و تحلیل :

تجزیه و تحلیل اول برای سه دوره ی اصلی مدل شهرنشینی دیفرانسیل (شهرنشینی، واگرایی قطبی و شهرگزیزی) به کار گرفته و سپس شش مرحله متوالی مورد بحث قرار گرفته است. این تجزیه و تحلیل بدون توجه به زیر سیستم ها یا مناطق مختلف کشور مورد بحث قرار داده است. همچنین نرخ های رشد برای هر گروه جمعیتی در هر دوره و مرحله به عنوان میانگین های بدون وزن نرخ های رشد جمعیت سالانه مراکز شهری محاسبه شده است.

برطبق مدل شهرنشینی دیفرانسیل، توالی تکاملی سه دوره به شرح زیر است: شهرنشینی، واگرایی قطبی و شهر گزیزی. به عبارت دیگر، در توالی تکاملی، مراکز شهری بزرگ و سپس مراکز شهری متوسط اندام و در آخر مراکز شهری کوچک بالاترین نرخ های رشد را دارند شکل گرافیکی این توالی روند خطی می باشد و شیب منفی را نشان می دهد (نمودار ۷). این نمودار، محور افقی سه دوره « تکاملی » را بطور متوالی و محور عمودی نرخ رشد جمعیت طبقات شهری را نشان می دهد. نقاط روی نمودار نیز بیانگر پراکنش آنهاست. طبقات جمعیتی شهر ها، نرخ رشد آنها در هر کدام از سه دوره و مراحل آنها متفاوت است. اولاً ما می بینیم که در کل ایران روند مورد انتظار این مدل دنبال می شود. یعنی ایران از سال ۱۹۵۰ تا

۱۹۶۵ در مرحله اول از دوره شهرنشینی (مرحله ابتدایی نخست شهری) است بطوری که مراکز شهری بزرگ بالاترین نرخ رشد، مراکز شهری متوسط کمترین رشد و مراکز شهری کوچک نرخ رشد بالاتر را نشان می دهند هر چند تحقیقاتی که در این زمینه انجام گرفته است اسامی دوره ها را بدین صورت بیان نکرده اند ولی این روند را در شهرنشینی ایران خاطر نشان کرده اند [۴، ص ۷۶؛ ۱۴، صص ۱۳-۷۴؛ ۱۵، صص ۱۸۴-۱۸۹]. از سال ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۵ نظام شهری ایران وارد مرحله دوم و سوم دوره شهرنشینی (مرحله میانی و مرحله پیشرفته نخست شهری) می شود با این تفاوت از مدل شهرنشینی دیفرانسیل که در ایران در این مرحله رشد شهری مراکز شهری طبقه کوچک بیشتر از مراکز شهری طبقه متوسط بود ولی با این وجود مراکز شهری متوسط اندام در حال رسیدن به رشد مراکز شهری بزرگ و کوچک هستند در نهایت این امر در دوره رشد ۱۹۷۵-۱۹۸۰ شکل می گیرد. در این سالها نظام شهری ایران بر اساس مدل شهرنشینی دیفرانسیل وارد واگرایی قطبی می شود که در این دوره مرحله اول واگرایی قطبی را تجربه می کند یعنی دوره آغازین رشد شهرهای متوسط، شهرهای متوسط در تمام نقاط کشور پراکنده اند به طوری که از ۱۰ شهر متوسط کشور تقریباً اراک، قزوین و زنجان در مرکز کشور، همدان و ارومیه در غرب کشور، رشت و اردبیل در شمال و کرمان و زاهدان در جنوب و جنوب شرق کشور پراکنده اند که این امر تمرکز زدایی و واگرایی قطبی بین منطقه را نیز نشان می دهد. از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۵ ایران مرحله پیشرفته رشد شهرهای متوسط را تجربه می کند. اعتماد، نظریان و ارجمند نیا نیز در همین دوره به پیدایش پدیده منطقه شهری در حول و حوش مادر شهر تهران و چند شهر بزرگ کشور اشاره کرده اند. از سال ۱۹۹۰ به بعد رشد مراکز شهری بزرگ کمتر می شود بطوری که در دوره ۹۵-۱۹۹۰ مراکز شهری بزرگ بیشترین رشد و بعد از آن مراکز شهری کوچک رشد زیادی دارند. این روند در دوره رشد ۲۰۰۰-۱۹۹۵ به حداکثر خود می رسد و مراکز شهری کوچک تقریباً به اندازه مراکز شهری متوسط نرخ رشد دارند و این ارقام شروع دوره شهرگریزی و آخرین دوره واگرایی قطبی را در نظام شهری ایران نشان می دهد (نمودارهای ۸، ۹ و ۱۰).



### نتیجه:

مطالعات گوناگونی برای مدلسازی الگوهای شهرنشینی انجام گرفته است که از آخرین آنها می توان به الگوی شهرنشینی دیفرانسیل اشاره کرد. از محاسن این الگو جهان شمولی آن است. این الگو را می توان هم برای نظام شهری کشورهای پیشرفته و هم برای کشورهای در حال توسعه بکار برد. نظریه شهرنشینی دیفرانسیل مراحل اولیه تکوین خود را می گذراند به طوری که کشورهای مختلف جهان از کشورهای پیشرفته جهان گرفته تا کشورهای در حال

توسعه این الگو را بکار می برند. در بعضی از آنها این الگو کاملاً قابل تطبیق است و در بعضی دیگر در کل، یافته ها مثبت است ولی نقایصی دارد که باید آنها را مورد توجه قرار داد و این نظریه را بهبود بخشید .

در کل، نتایج بدست آمده برای ایران بین سالهای ۲۰۰۰-۱۹۵۰ نشان می دهد که نظریه شهرنشینی دیفرانسیل با نظام شهری ایران مطابقت دارد . دوره « شهرنشینی » و مراحل آن و همچنین مراحل دوره « واگرایی قطبی » به ترتیب در نظام شهری ایران پیش آمده است . بطوری که از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۵ نظام شهری ایران سه مرحله دوره « شهرنشینی » را تجربه کرده است و همچنین از سال ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۵ دو مرحله دوره « واگرایی قطبی » را تجربه می کند . آمارهایی که برای سالهای بین ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۰ بکار رفته است پیش بینی UNDP است. این آمارها نشان می دهند که نظام شهری ایران در حال وارد شدن به دوره شهر گریزی می باشد.

مدل شهرنشینی دیفرانسیل جامعترین مدلی است که می تواند الگوی شهرنشینی نظام شهری کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه را با توجه به تحولات اقتصادی- اجتماعی در طبقات مختلف شهری و در دوره های زمانی معین تبیین کند و همچنین شهرنشینی را برای سالهای آتی پیش بینی کند از این رو پیشنهاد می شود مطالعات دیگری در این زمینه بر اساس طبقه بندیهای مختلف شهری در سطح ملی و منطقه ای صورت گیرد. علاوه بر این، این مدل را می توان به صورت کاربردی در برنامه ریزیهای فضایی کشور مورد استفاده قرار داد.

## منابع:

- [۱] یزدانی، محمد حسن: بررسی تحولات نقش و کارکرد شهرهای منطقه آذربایجان (پایان نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر اصغر نظریان)، دانشگاه تربیت معلم تهران، گروه جغرافیا، ۱۳۸۲.
- [۲] حسامیان، فرخ؛ اعتماد، گیتی؛ حایری، محمد رضا: شهر نشینی در ایران، آگاه، تهران، ۱۳۶۳.
- [۳] عظیمی، ناصر: مهاجرت از روستا به شهر، نگاهی متفاوت، فصل نامه مدیریت شهری، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۸۱.

[۴] نظریان، اصغر: جایگاه شهرهای کوچک در توسعه ملی، طرح پژوهشی، معاونت پژوهشی، دانشگاه تربیت معلم تهران، تهران، ۱۳۸۲.

[5] Pacione, Michael; Urban Geography A Global Perspective; Routledge, london & Newyork, 2004.

[6] Geyer, H. S; Differential urbanization in Southern Africa and its consequences for spatial development policy; African Urban Quaterly, 4: 276- 91, 2003.

[7] Geyer,H.S.& T. Kontuly;(1993), A Theoretical Foundation For the Concept of Differential Urbanization. International Regional Science Review,15, 3;pp157-177; 1993.

[8] Geyer,H.S; Expanding the Theoretical Foundation of the Concept of Differential Urbanization. Tijdschrift voor Economische en Sociale Geografie 87, . pp.44- 59, 1996.

[9] Bonifazi, Corrado and Heins, Frank;Dynamics of urbanization Italy; XXXIV Genral Population Conference; Salvador, Brazil; 2001.

[10] Gedik,A; DIFFERENTIAL URBANIZATION IN TURKEY: (1955 – 2000), 43<sup>rd</sup> CONGRESS OF THE EUROPEAN REGIONAL SCIENCE ASSOCIATION, Finland, August27-30,2003.

[11] Geyer, Hermanus; African urbanization in Metropolitan in South Africa - Differential urbanization perspectives; Geojournal, Volume 30, NO 3, 1993.

[12] UNDP; <http://www.un.org/esa/population/contact.htm>, 2004.

[۱۳] مرکز آمار ایران؛ سرشماریهای عمومی نفوس و مسکن سالهای ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵.

[۱۴] اعتماد، گیتی؛ تغییرات شبکه شهری ایران در دهه اخیر؛ مقالات هشتمین کنگره جغرافیدانان ایران، انتشارات دانشگاه اصفهان، ج دوم: جغرافیای انسانی، صص ۴۰-۳۲، ۱۳۷۳.

[۱۵] ارجمند نیا، اصغر؛ نقش شهرهای میانه در نظام اسکان جمعیت، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۹، تیر ۱۳۶۸.

## Survey of Differential Urbanization in Iran

Mohammad Hassan Yazdani<sup>1\*</sup>22, Asgar Nazarian2, Ahmad Porahmad3

<sup>22</sup> - Corresponding author's E-mail [M\\_yazdani@tmu.ac.ir](mailto:M_yazdani@tmu.ac.ir) & [mh12yazdani@yahoo.com](mailto:mh12yazdani@yahoo.com)

- 1- Ph. D Student of Geography and Urban & regional planning, Department of Geography, Tarbiat Moallem University.
- 2- Professor of Geography and Urban & regional planning, Department of Geography, Tarbiat Moallem University.
- 3- Associate Professor of Human Geography, Faculty of Geography, Tehran University.

### **Abstract:**

The purpose of this study is to present “differential urbanization” theory and to test this theory for the case of Iran during 50 years between 1950- 2000 for 10 statistical periods. First the differential urbanization theory has been presented and then has been pointed the case studies employed this theory. Finally, we applied this theory for analyzing urban system of Iran. The survey of this theory for Iran shows that its urban system has passed “urbanization” phase since 1950 and has passed three stage of it to 1975 respectively and since 1975 to 1995 has passed two stage of the “polarization reversal” phase and enters to “counter urbanization” phase. The results of this study shows that totally differential urbanization theory conforms to Iran’s urban system trend, but shows some differences with urban system of Iran.

**Keywords:** *differential urbanization, Iran, urbanization patterns.*